

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، گروه فلسفه

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)
گرایش: فلسفه و حکمت اسلامی

عنوان :
تأثیر اتولوجیا بر حکمت الاشراف در بحث وجودشناسی

استاد راهنما:
دکتر انشاءالله رحمتی

استاد مشاور:
دکتر مهدی نجفی افرا

پژوهشگر:
گیتی کاکوند

تابستان ۱۳۹۱

تعهذنامه اصالت پایان نامه کارشناسی ارشد

اینجانب گیتی کاکوند دانش آموخته مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته به شماره دانشجویی ۸۷۰۸۴۹۱۹۱۰۰ در رشته فلسفه و حکمت اسلامی که در تاریخ ۱۳۹۱/۵/۲ از پایان نامه خود تحت عنوان: تأثیر ائولوجیا بر حکمت الاشراق در بحث وجودشناسی کسب نمره ۱۷/۷۵ و با درجه بسیار خوب دفاع نموده ام، بدینوسیله متعهد می شوم:

- ۱- این پایان نامه، حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه های موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آن را در فهرست، ذکر و درج کرده ام.
- ۲- این پایان نامه قبلاً برای دریافت هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ارائه نشده است.
- ۳- چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از این پایان نامه را داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد، مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم.
- ۴- چنانچه در هر مقطع زمانی، خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را بپذیرم و واحد دانشگاهی مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچ گونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی: گیتی کاکوند
تاریخ و امضاء:
۹۱/۵/۲

بسمه تعالی


در تاریخ ۹۱/۵/۲

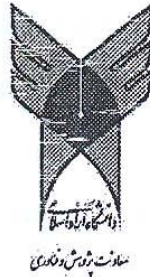
دانشجوی کارشناسی ارشد خانم گیتی کاکوند از پایان نامه خود دفاع نموده

و با نمره ۱۷/۷۵ به حروف *حسن و حسن* و با درجه *بسیار خوب* مورد تصویب قرار

گرفت.

امضاء استاد راهنما





به نام خدا

مشور اخلاق پژوهش

بایدی از خداوند سبحان و اعتماد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشتن مقام بلند دانش و پژوهش و نظریه‌ایست
بیاگاه و انگاره امتحالی فرزندگ و تمدن بشری، یاد و انگیزه‌های دامن‌دهنده‌ی حقیقی و امانت‌های دانش‌آموزانه‌ی آزاد اسلامی شهدای گریه‌ی اصول زیر را در انجام
فالیست‌های پژوهشی به نظر قرار داده و از آن‌ها تخطی نکنیم:

- ۱- اصل برانست: التزام به برانست چوئی از حرکت ز رفتار غیر خودای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به سبب‌های غیر علمی می‌آلایند.
- ۲- اصل رعایت انصاف و امانت: تمهید به اجتناب از حرکت جانب‌داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
- ۳- اصل ترویج: تمهید به رواج دانش و امانت‌های تحقیقات و انتقال آن به بکاران علمی و دانشمندان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
- ۴- اصل احترام: تمهید به رعایت حریم باور حرمت باور انجام تحقیقات در رعایت جانب‌داری و خودداری از حرکت حرمت شکنی.
- ۵- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهشگران (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
- ۶- اصل رازداری: تمهید به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد سازمان‌ها و کشور و کلیه افراد و نهاد‌های مرتبط با تحقیق.
- ۷- اصل حقیقت‌جویی: تلاش در راستای پی‌جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از حرکت پنهان‌سازی حقیقت.
- ۸- اصل ناکلیت‌مادی و معنوی: تمهید به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشمندان و بکاران پژوهش.
- ۹- اصل منافع ملی: تمهید به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن به پیشبرد توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.

«الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله»

تقدیم به

پدر و مادرو همسر
عزیزانی که اندیشیدن و تفکر را به من آموختند.
و
برادر و خواهر گرامی ام «جهاندار و مینا»
که در این راه پشتیبان و همراه من بودند.

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

پس از حمد و سپاس الهی

از تمامی اساتید کراتقدر گروه فلسفه دانشکده الهیات دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، که از دوران کارشناسی تاکنون

چراغ افروز راه دانش پژوهشی ام بوده اند، خصوصاً مدیر محترم گروه فلسفه:

جناب دکتر عزیزالله افشار (استاد راهنمای فرزانه)

جناب دکتر انشاء الله رحمتی (استاد مشاور راهنمای)

جناب دکتر مهدی نجفی افرا

کمال تشکر و سپاس را دارم.

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
چکیده	
فصل اول: کلیات	
۱-۱ بیان مسئله تحقیق	۲
۲-۱ اهمیت موضوع تحقیق	۲
۳-۱ سابقه تاریخی موضوع	۳
۴-۱ هدف های تحقیق	۳
۵-۱ سوالات و فرضیه های تحقیق	۴
۶-۱ چهارچوب نظری تحقیق	۵
۷-۱ مدل تحقیق	۵
۸-۱ روش تحقیق	۵
۹-۱ متغیرها و واژه های کلیدی	۵

فصل دوم: وجود شناسی

۱-۲ اهمیت بحث وجود شناسی	۷
۲-۲ معانی وجود	۹
۳-۲ انحاء وجود شناسی	۱۲
۴-۲ محورهای وجود شناسی	۱۴
۵-۲ مسائل وجود شناسی	۱۵
۶-۲ مراتب وجود شناسی	۲۰
۷-۲ تاریخچه وجود شناسی	۲۳
۱-۷-۲ وجود شناسی در یونان باستان	۲۴
۲-۷-۲ وجود شناسی در فلسفه اسلامی	۲۹
۳-۷-۲ وجود شناسی در حکمت خسروانی	۳۲

فصل سوم: افلاطون

۱-۳ زندگینامه	۳۷
۱-۱-۳ از تولد تا عروج	۳۷
۲-۱-۳ ویژگی های فردی	۳۸
۳-۱-۳ سیر زندگی فکری و اجتماعی	۳۹
۴-۱-۳ در حلقه درس آمونیوس ساکاس	۴۰
۵-۱-۳ شاگردان و آثار بجای مانده	۴۱
۲-۳ مکتب نو افلاطونی	۴۳

۴۳ ۱-۲-۳ نو افلاطوني کيست؟
۴۵ ۲-۲-۳ محتوى کلي فلسفه نو افلاطوني
۴۶ ۳-۲-۳ فلسفه نو افلاطوني در مسيحيت و اسلام
۴۹ ۳-۳ منابع مکتب نو افلاطوني
۴۹ ۱-۳-۳ مقدمه
۵۰ ۲-۳-۳ نگاه کلي به منابع افلوطين
۵۱ ۳-۳-۳ افلاطون Plato
۵۴ ۴-۳-۳ ارسطو Aristotel
۵۶ ۵-۳-۳ فيلون philo
۵۸ ۶-۳-۳ عناصر شرقي
۶۱ ۷-۳-۳ يونان باستان
۶۴ ۴-۳ وجودشناسي افلوطين
۶۶ ۱-۴-۳ احد
۶۹ ۲-۴-۳ عقل
۷۳ ۳-۴-۳ نفس

فصل چهارم: سهروردي

۷۸ ۱-۴ آشنائي با سهروردي
۷۸ ۱-۱-۴ تولد تا عروج
۸۰ ۲-۱-۴ علل قتل سهروردي
۸۰ ۳-۱-۴ ويژگيهاي فردي سهروردي
۸۱ ۴-۱-۴ اساتيد سهروردي
۸۱ ۵-۱-۴ آثار سهروردي
۸۳ ۲-۴ مکتب اشراقي
۸۳ ۱-۲-۴ منظور از اشراق
۸۶ ۲-۲-۴ سابقه تاريخي نگاه اشراقي
۸۷ ۳-۲-۴ روش اشراقي
۸۸ ۴-۲-۴ محتوى کلي حکمت اشراقي
۹۱ ۵-۲-۴ پيروان سهروردي
۹۱ ۳-۴ منابع سهروردي
۹۱ ۱-۳-۴ مقدمه
۹۳ ۲-۳-۴ هرمس Hermes
۹۵ ۳-۳-۴ خميره يوناني
۹۹ ۴-۳-۴ خميره خسرواني

۴-۴ وجود شناسی سهروردی ۱۰۲

فصل پنجم: اثولوجیا و حکمت الاشراق

۱-۵ معنی اثولوجیا	۱۰۸
۲-۵ آثار یونانی چگونه به عالم عربی راه یافتند	۱۰۸
۳-۵ توجه به علوم یونانی در میان مسلمین از چه زمانی آغاز شد	۱۱۱
۴-۵ دلیل توجه مسلمین به آثار یونانی	۱۱۲
۵-۵ آشنایی مسلمین با اثولوجیا	۱۱۵
۶-۵ اثولوجیا در مسیر تاریخ	۱۱۷
۷-۵ ترجمه ها و نسخه های موجود اثولوجیا	۱۲۳
۸-۵ بررسی علل اشتباه	۱۲۳
۹-۵ محتوی اثولوجیا	۱۲۵
۱۰-۵ جایگاه حکمت الاشراق در میان آثار سهروردی	۱۲۷
۱۱-۵ محتوی کتاب حکمت الاشراق	۱۲۸
۱۲-۵ ترجمه ها و شارحین حکمت الاشراق	۱۲۹

فصل ششم: تأثیرات اثولوجیا بر حکمت الاشراق نتیجه گیری

۱-۶ مقدمه	۱۳۲
۲-۶ اثولوجیا و شیخ اشراق	۱۳۳
۳-۶ اصطلاحات و موضوعات مشترک بین اثولوجیا و حکمت الاشراق	۱۳۵
۴-۶ وجود شناسی در اثولوجیا و حکمت الاشراق	۱۳۹
۴-۶-۱ مبدأ اول	۱۴۱
۴-۶-۲ قاعده فیض	۱۴۴
۴-۶-۳ صادر اول	۱۴۸
۴-۶-۴ قاعده امکان اشرف	۱۴۹
۴-۶-۵ نفس	۱۵۱
۴-۶-۶ ماده	۱۵۴
۵-۶ نتیجه گیری	۱۵۶
ضمائم و پیوست ها	۱۶۴
اصطلاحات	۱۶۴
فهرست منابع	۱۷۴

چکیده:

پایان‌نامه‌ای که در دست داریم، تلاشی است در جهت بررسی تأثیرات کتاب اثولوجیایافلوپین (منسوب به ارسطو) بر حکمت الاشراق شیخ اشراق در بحث وجودشناسی، که حاصل این تلاش تنظیم پایان‌نامه‌ای در ۶ فصل است که پس از بیان کلیات ابتدا در یک فصل مستقل مفاهیم مرتبط با وجودشناسی را بررسی می‌نماید سپس زندگی، منابع و آثار و نگاه کلی در حکیم مورد بحث یعنی افلوپین و سهروردی را تشریح می‌کند و سپس به معرفی دو کتاب موردنظر و تطبیق محورهای کلی بحث وجودشناسی در آن دو می‌پردازد: روش کار به صورت تحقیقات کتابخانه‌ای انجام گرفته و درباره نتیجه به دست آمده می‌توان بطور خلاصه عنوان نمود که قطعاً سهروردی علاوه بر افلوپین از منابع دیگری نیز استفاده نموده است اما نمی‌توان منکر تأثیر اثولوجیا بر او بود هر چند شیخ اشراق کتاب اثولوجیا را از آن حکیم یونانی گمنام یا ارسطو می‌دانسته است و علاوه بر آن در این بررسی می‌توان دریافت نور حقیقت در تمامی قرون و اعصار توجه طالبان حقیقت را به خود جلب می‌نموده است و تفاوت و تضارب آراء آنها وابسته به شرایط مکان و زمان و حال افراد بوده و در اصل حقیقت نور واحدی است که تنها روزنه‌های تابش آن متفاوت است.

فصل اول

کلیات

۱-۱- بیان مسئله تحقیق

تأثیرگذاری نظرات یک فیلسوف بر فیلسوفی دیگر یا تأثیرپذیری حکیمی از حکیمی دیگر یکی از مسائلی است که در هنگام بررسی آراء و نظرات متفکران برجسته خصوصاً افرادی که صاحب مکتب یا سبکی نوین می‌باشند، مورد سؤال پژوهشگران است. هنگامی که سهروردی مینای فلسفه خود را بر شناخت نور می‌گذارد و یا هنگامی که توجه ویژه‌ای به تمثیل و بیان رمزی از خود نشان می‌دهد، علت چیست؟ آیا این ابداع و کشف اوست؟ و یا اینکه او یکی از افراد سلسله طالبان حقیقت یا دوستداران فلسفه (فیلسوفیا) است؟ آیا شیخ اشراق در تبیین و بیان نظرات خود کاملاً غرق در یک مکتب یا مشرب خاص بوده است؟ و یا اینکه در نظرات افراد ماقبل خود تفکر و تعمق نموده و با کنار هم گذاشتن دریافته‌های خود نظرات جدید خود را بیان نموده است؟

این سئوالات و سئوالاتی از این دست محور تحقیق مختصری است که پیش رو داریم.

۲-۱- اهمیت موضوع تحقیق

وجود شناسی اساس نظرات فلسفی یک حکیم را نمایان می‌کند. اینکه یک متفکر یا مکتبی که بنا نهاده است چه مراتبی را در ایجاد و خلقت جهان به اثبات می‌رساند، اینکه اساساً نحوه آفرینش موجودات جهان را چگونه توجیه و تأویل می‌کند و یا اینکه در سلسله مراتب موجودات کدامیک را دارای کمال و کدام مرحله را ناقص می‌داند و ... مجموعاً، فلسفه و مکتب آن حکیم را نشان می‌دهد. ویژگی موضوعی که پیش‌رو داریم آن است که در حد بضاعت ضعیف نویسنده تلاش می‌کند تا مشخص نماید که تأثیر حکمای فوق‌الذکر بر یکدیگر چگونه بوده است؟ و این مسئله در جایی اهمیت ویژه پیدا می‌کند که بخواهیم دریابیم که آیا منبع اصلی شیخ اشراق فلسفه یونانی بوده است؟ و در نتیجه، مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر نگاه آنها به جهان و مراتب وجود بوده است و یا اینکه وی پس از بررسی و دقت نظر در منابعی که در دسترس خود داشته است و آراستن آنها به زیور وحی الهی و میراث حکمت ایران باستان و پیراستن آن از کاستی‌ها و موارد غیرقابل پذیرش مکتب نوین اشراقی خود را بنا نهاده است؟

۳-۱- سابقه تاریخی موضوع

جدای از اینکه غالباً در هنگام بازخوانی زندگی، آثار و عقاید هر حکیم بر میزان تأثیرپذیری وی از گذشتگان توجه می‌گردد، شاید بتوان بهترین سند تاریخی این مسئله را در آثار خود شیخ اشراق جستجو نمود که به صراحت از مکاتب و افرادی که بروی تأثیر گذاشته‌اند و وی تحت تأثیر آنها بوده است نام برده است. شاید وی برای استحکام نظرات خود و یا جلب نظر مخاطب و یا اطمینان قلبی پژوهشگران به درستی مبانی فکری‌اش به معرفی منابع خود پرداخته باشد، اما

خواسته یا ناخواسته این امر به ما کمک می‌کند تا سلسله تکامل بحث‌های فلسفی را در طول تاریخ شناخته و افرادی را که در این مسیر، هر یک در حد توان علمی خود به اصلاح و تکمیل بنای عظیم علم پرداخته‌اند، هر چه بهتر بشناسیم.

۱-۴- هدف‌های تحقیق

- آشنایی با معنی وجود شناسی و سابقه تاریخی آن؛
- آشنایی با زندگی، آثار، مکتب و منابع شیخ اشراق و افلوپین؛
- آشنایی موجز با حکمت الاشراق و بررسی مسیر تاریخی و محتوی اثولوجیا؛
- بررسی و تطبیق مواردی چند از تأثیرات اثولوجیا بر حکمت الاشراق.

۱-۵- سنوالات و فرضیه‌های تحقیق:

سؤال: آیا شیخ اشراق تا چه اندازه تحت تأثیر آراء افلاطون از طریق کتاب اثولوجیا بوده است؟

فرضیه: از آنجا که پس از ترجمه آثار ارسطو و افلاطون در میان مسلمانان این آثار و این دو نویسنده خصوصاً ارسطو جایگاه ویژه‌ای در میان مسلمین پیدا نمودند، دیگر آثار یونانی خصوصاً آثار نو افلاطونیان نیز کم‌کم جایگاه خود را در میان دوستداران حکمت و فلسفه پیدا نمودند، هر چند به دلیل مسائل مختلف موجود در عصر ترجمه، مانند ترجمه با واسطه (یعنی از یونانی بر سُرّیانی و از سُرّیانی بر عربی) و یا ناشناخته بودن افلوپین در میان مترجمان و نسبت دادن غالب آثار الهیات به ارسطو، فلاسفه یونانی کاملاً شناخته نمی‌شدند اما آثار آنان مورد توجه ویژه فلاسفه مسلمان قرار می‌گرفت، در این میان آثار افلوپین به دلیل محتوی خاصی که داشتند خصوصاً نزدیکی با تعابیر خاص وحدانی درباره خداوند (واحد) مورد توجه خاص حکمای بزرگ اسلامی خصوصاً کندی، فارابی، ابن‌سینا، سهروردی، ملاصدرا و ... بوده‌اند و همه این بزرگواران علیرغم آشنا نبودن با افلوپین با آثار وی تحت عنوان کتاب‌های: (الربوبیه، فی ایضاح الخیر و اثولوجیا) آشنا بوده و می‌توان ادعا نمود از وی تأثیرات عمیقی نیز گرفته‌اند.

سؤال: آیا شیخ اشراق فقط از افلوپین (اثولوجیا) تأثیر پذیرفته است؟

فرضیه: با توجه به اینکه در هنگام مطالعه حکمت الاشراق با الفاظ، عبارات و مفاهیمی مواجه می‌شویم که عیناً در اثولوجیا موجود هستند می‌توان به یقین اذعان نمود اثولوجیا به شدت سهروردی را تحت تأثیر قرار داده است اما دقت در شرح و یا استنباطها و استدلال‌هایی که سهروردی در کتب خود دارد، مشخص می‌نماید وی تحت تأثیر غالب منابع در دسترس خود قرار گرفته است نه تنها یک یا دو منبع. اما با توجه به استعداد و درک و قابلیت بالای خود گاه با تلفیق آنها و گاه با تجزیه و تحلیل‌های خاص خود مطالب بدیع دیگری را بیان نموده است. هر چند موضوع دیگری که در اینجا جلب توجه می‌نماید، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم افلوپین از ادیان الهی (یهود و مسیحیت) و حکمت خسروانی بوده است یعنی دو منبع که شیخ اشراق به آنها توجه ویژه داشته است: وحی الهی (قرآن) و حکمت ایران باستان ...

۶-۱- چهارچوب نظری تحقیق

تحقیق در دو مقطع تاریخی سیر می‌کند که فاصله آنها از یکدیگر حدوداً ۱۰۰۰ سال می‌باشد، یعنی افلوپین در ق دوم و سوم میلادی و سهروردی متعلق به ق دوازدهم میلادی. مهمترین منابع مورد استفاده کتب تاریخ فلسفه غرب و اسلامی، مجموعه آثار هر دو حکیم و مجموعه‌ای از شروح و تحلیل‌هایی که بر این آثار نگاشته شده است و خصوصاً متن اصلی اثولوجیا و ترجمه آن می‌باشد.

۷-۱- مدل تحقیق

نظری

۸-۱- روش تحقیق

در مورد هر دو محور اصلی یعنی افلوپین و شیخ اشراق از روش کتابخانه‌ای، و مراجعه به کتب مرجع و نرم‌افزار حکمت اسلامی و فیش برداری آنها و درباره موضوع وجودشناسی از فرهنگ‌نامه‌های معتبر و مجموعه آثار استاد حائری یزدی استفاده گردیده است که مجموعاً قریب به ۲۰۰۰ صفحه فیش‌برداری ابتدایی تهیه شده بود. وجود ۲ مشکل اساسی یعنی کلی بودن موضوع وجودشناسی و محدودیت حجم رساله کارشناسی ارشد حقیر را مجبور به گزینش و انتخاب پاره‌ای از موضوعات نمود و نهایتاً تقدیم این پایان‌نامه در حد بضاعت بسیار اندک نویسنده گردید.

۹-۱- متغیرها و واژه‌های کلیدی

افلوپین (پلوتینوس)، اثولوجیا، فلسفه نو افلاطونی، شیخ اشراق (سهروردی)، حکمت الاشراق، فلسفه اشراق، وجودشناسی، مراتب وجود، فلسفه یونان، حکمت خسروانی، زرتشت، نور.

فصل دوم

وجودشناسی

۲-۱- اهمیت بحث وجودشناسی:

نظام شگفت‌انگیز خلقت که عقل را به حیرت و تحسین وادار می‌کند، از کجا و چگونه پدید آمده است؟ پدیدآورنده این نظام کیست؟ در آفرینش چه مراتب و چه مراحل موجود است؟ و ... پاسخ به این پرسش‌ها و سئوالهای مشابه درباره چیستی موجودات و انواع آنها، سلسله مراتب موجودات و زیرشاخه‌های آنها، تفاوتها و شباهتهای موجودات با یکدیگر شاخه‌ای است از فلسفه که به مطالعه هستی یا وجود می‌پردازد و به هستی‌شناسی یا وجودشناسی *Ontology* معروف است.

این علم به دنبال تشخیص و توضیح رده‌های اصلی هستی و ارتباط آنها با یکدیگر یا به عبارتی عالم وجود برمی‌آید، تا بتواند به تعریف موجودات و انواع آنها بپردازد. در این فصل به بررسی اجمالی وجودشناسی و محورهای اساسی، مراتب و بعضی از مسائل مرتبط با آن به صورت اجمال می‌پردازیم.

قبل از ورود به بحث باید متذکر شویم که تلقی یونانیان به عنوان قدیمی‌ترین منابع حکمت مضبوط تاریخ بشر، در تعیین موجود نخستین و ارتباط آن با جهان و انسان، با تلقی فلاسفه دورانهای بعد و ادیان خصوصاً فلاسفه اسلامی متفاوت است. محوریت فلسفه یونانی عالم است و می‌توان شروع آن را از طالس^۱ و پایان دوران طلایی آن را افلوپین دانست، فلسفه‌ای که آغاز تفکرات مکتوب موجود است.

از قدیمی‌ترین و تأثیرگذارترین مکاتب مهم، می‌توان به مکتب یونیاپی^۲ که روش تجربی داشتند و ارسطو آنان را مکتب طبیعیان خوانده است، مکتب فیثاغوری^۳ که توجه به ریاضیات و رمز اساس تفکرشان بوده است و مکتب النائی^۴ که روش اقامه براهین عقلی را برای رسیدن به حقیقت برگزیده‌اند و صد البته فلاسفه تأثیرگذاری چون افلاطون و ارسطو و افلوپین اشاره کرد. «آندره کرسون می‌گوید: در جهان دو گونه متفکران هستند، گروهی به پدیده‌های محسوس اهتمام خاص می‌ورزند و به نظر و تجربه می‌پردازند و دسته دیگر جز به حقایق بدیهی و واضح که نیازی به برهان نداشته باشد توجه ندارند و بی‌اعتنا به عمل حواس از واقعیات عینی رخ برتافته و به وسیله همان حقایق بدیهی به اثبات حقایق دیگر می‌پردازند. نخستین متفکران یونانی نیز از این دو قسم بیرون نبودند و مکاتبی فلسفی که تأسیس کردند هر یک به یکی از این دو روش گرایش داشتند مانند مکاتب یونیاپی، فیثاغوری و النائی» (فاخوری، حنا، ۱۳۸۶، ص ۲۸).

برخلاف فلسفه یونانی محوریت فلسفه اسلامی وجود است و خدا (واجب الوجود) دائر مدار کائنات. فلسفه اسلامی با استفاده از بن مایه‌های فلسفه ایران باستان و یونان، خصوصاً نو افلاطونیان و گذراندن آن از منشور درخشان وحی و اسلام مسائل و مراتب متفاوت و عمیق‌تری را برای نظام کائنات به تصویر کشیده است: «فلسفه اسلامی گرچه در قالب آمیزه‌ای از فلسفه ارسطویی و نو افلاطونی، پس از گذر از صافی شارحان آنتنی و اسکندرانی یونانی ماب ارسطو

شکل گرفت ولی حکمای اسلامی برای سازگار ساختن آن با تعالیم دین خود، دو مفهوم اساسی در آن وارد کردند، یکی مفهوم ممکن الوجود و واجب الوجود و دیگری مفهوم نبوت، از اینکه بگذریم کیهان‌شناسی عمومی آنان با همان طرح عمومی مطابقت داشت که از یونانیان به ارث برده بودند». (حائری یزدی، مهدی، ۱۳۸۴، مقدمه کتاب از محقق داماد، ص ۲۶).

اهمیت بحث وجودشناسی در فلسفه به جایگاه و نقش اساسی وجود در نظام عالم مربوط می‌شود و از آنجا که از سویی قوام عالم به وجود وابسته است و این موضوع واقعیت عالم هستی را تشکیل می‌دهد و از سویی دیگر انسان فطرتاً به دنبال کشف حقایق موجود در جهان است، بحث وجودشناسی را به نوعی می‌توان بحث حقیقت‌شناسی نامید و شناخت وجود و قوانین و احکام آن را به نوعی شناخت بنیاد و موضوعات همه علوم و قوانین مشترک آنها دانست.

با توجه به اینکه محور موضوع پایان‌نامه‌ای که پیش رو داریم بحث وجودشناسی و تأثیرات یکی از بزرگترین فلاسفه یونان بر یکی از فلاسفه نامدار حکمت اسلامی در همین موضوع می‌باشد، در این فصل تلاش گردیده است تا با آشنایی اجمالی با تاریخچه، مفاهیم و اصطلاحات و مسائل اساسی مبحث بسیار گسترده وجودشناسی، آمادگی جهت مقایسه و جمع‌بندی بحث وجودشناسی در نزد این دو فیلسوف بزرگ را پیدا نماییم.

۲-۲- معانی وجود

درباره الفاظ وجود و موجود، بحث‌های زیادی وجود دارد، مانند بررسی ریشه کلمه، مصدر یا اسم مصدر بودن کلمه وجود و یا اسم مفعول بودن آن و احکامی که از نظر دستور زبان بر آنها مترتب می‌شود. اما با توجه به موضوع بهتر آن است که در این بحث به مفهوم وجود در اصطلاحات فلسفی پرداخت.

وجود، هستی یا Existence مفهومی مشترک در تمامی فرهنگ‌نامه‌های فلسفی رایج می‌باشد. وجود در اصطلاح فلسفی به معنی واقعیت است و هنگامی که واقعیت خارجی به صورت قضیه‌ای در ذهن منعکس می‌شود مفهوم وجود، محمول آن قرار می‌گیرد. در فرهنگ‌نامه فلسفی ذیل عنوان وجود آمده است: «هستی در مقابل نیستی و از مفاهیم بدیهی است، هستی نیاز به تعریف ندارد مگر از این جهت که مدلول لفظ عینی است، نه مدلول هر لفظی. بنابراین، تعریف آن، تعریف لفظی است و این لفظ فقط مفهوم لفظی وجود را بیان می‌کند نه مفهوم خود هستی را». (صلیبا، جمیل، ۱۳۶۶، ص ۶۵۹) توضیح فوق مشخص می‌کند که تعریف وجود فقط تعریف لفظ است و مفهوم وجود چون از مفاهیم بدیهی است قابل تعریف نیست. همچنین در فرهنگ معارف اسلامی آمده است: «وجود یعنی هستی مقابل عدم، و در اینکه می‌توان وجود را تعریف کرد یا نه میان فلاسفه اختلاف است و از بررسی میان آراء و نظرات فلاسفه به این نظرات می‌رسیم که: ۱- وجود بدیهی‌التصور است و تعریفش ممکن نیست. ۲- وجود هم مانند بعضی دیگر از امور نظری است و قابل تعریف است. ۳- وجود از امور اکتسابی است و نظری اما تعریفش ممکن نیست». (سیدجعفر سجادی، ۱۳۶۱، ص ۲۱۰۲) به اختصار می‌توان درباره معنی لفظ وجود عنوان نمود که این لفظ هنگامی که به عنوان مبدأ و ریشه کلمه موجود در نظر گرفته می‌شود حالت مصدری دارد و معادل آن در فارسی، کلمه بودن است. همانگونه که موجود

از نظر لغت اسم مفعول و به معنی وقوع فعل بر مفعول است. البته گاهی هم مصدر جعلی موجودیت منظور است و آن را هم مساوی وجود به کار می‌گیرند و گاهی به صورت اسم مصدر که مترادف فارسی آن «هستی» است این تعریف همان تعریف لفظی است که در آن معنای کلمه‌ای بوسیله کلمه دیگر بیان می‌شود، حال آنکه همانگونه که اشاره شد در بحث‌های فلسفی به دنبال تعریف حقیقی و مفهوم واقعی کلمات هستیم.

لذا می‌توان گفت فلاسفه در استفاده از واژه وجود و موجود معنای مصدری یا اسم مفعولی را مورد نظر ندارند، ضمن آنکه اساساً مفهوم وجود به واسطه آنکه موضوع فلسفه اولی یا حکمت الهی است مورد توجه خاص در فلسفه است و مفهومی بدیهی است و در کتب فلسفه اسلامی از همان ابتدا بر این موضوع تکیه و تأکید می‌گردد.

بطور مثال علامه طباطبایی پس از بیان غایت فلسفه در دو موضوع، یعنی جداسازی موجود حقیقی از غیرحقیقی و شناخت علل عالیّه وجود درباره مفهوم وجود می‌فرماید: «مفهوم الوجود بدیهی معقول بنفس ذاته و لایحتاج فیه الی توسط شیء آخر، فلا معرف له من حد اورسم» (طباطبائی، محمدحسین، ۱۳۸۴، ص ۱۹) شهید مطهری نیز در شرح منظومه خود اولین بحث از مباحث وجود را بداهت وجود می‌داند و در بیان آن می‌فرماید: «مفهوم وجود و موجود، بدیهی است یعنی هر کسی، از آنها تصور روشن و واضحی دارد، حتی اینکه مفهوم وجود بدیهی است، هم، بدیهی است و در بدیهیات نباید استدلال نمود و باید به تذکر بسنده کرد» (مطهری، مرتضی، ۱۳۸۶، ص ۳۱).

به عبارتی یک مفهوم در صورتی بدیهی است که به خودی خود یعنی بدون نیاز به وساطت مفهوم دیگر برای انسان روشن باشد. اما واژه وجود و موجود ویژگی خاصی نیز دارد و آن اینکه در عین بدیهی بودن، شناخت عمق آن برای هر کسی فراهم نیست: «وجود حقیقی دارد و مفهومی، حقیقت وجود همان چیزی است که در خارج طرد عدم می‌کند و سراسر جهان هستی را تشکیل می‌دهد و منشأ همه آثار و فعل و انفعالات خارجی است ... اگر مفهوم وجود واضح و بدیهی التصور باشد به هیچ وجه دلیل آن نیست که حقیقت وجود هم برای هر کسی آشکار است» (حائری یزدی، مهدی، ۱۳۸۴، ص ۲۹ و ۳۰) در نتیجه وجود حقیقی و حقیقت وجود را باید با مفهوم اعتباری وجود متفاوت دانست. حاصل آنکه مفهوم فلسفی وجود مساوی است با مطلق واقعیت و نقیض عدم و از ذات مقدس الهی گرفته تا واقعیت‌های مجرد و مادی و همچنین جواهر و اعراض همه را شامل می‌شود: «در فلسفه کلی تنها چیزی که می‌تواند مسائل فلسفه را در حریم خود فرا گیرد، وجود یا موجود است و این مفهوم در میان سایر مفاهیم و موضوعات به حدی عمومی است که بر تمام اشیاء مثل واجب و ممکن، مجرد و مادی، جوهر و عرض و بالاخره هر چه در عداد حقایق جهان محسوس است بوضوح انطباق کامل می‌یابد» (همان، منبع، ص ۱۴).

در بررسی آراء و آثار حکماء دریافته می‌شود که حکماء با تأمل در مفهوم وجود به احکام و قوانین مرتبط با آن می‌رسند، بطور مثال ذهن از وجودها، عدم را انتزاع می‌کند نه آنکه از قبل مفهوم عدم را داشته باشد و با استفاده از همین مفهوم انتزاعی عدم، قضایای بسیاری را می‌سازد و تفکر خود را سامان می‌دهد و به همین ترتیب مفهوم بی‌نهایت را هم به دست می‌آورد که این

مفهوم از یک طرف حد یا نهایت را تصور می‌کند و از طرف دیگر مفهوم عدم را و از نسبت دادن عدم به نهایت، تصور بی‌نهایت و لایتناهی را به دست می‌آورد. اما کدامیک از مفاهیم بدست آمده از کلمه وجود و مفاهیم مقابل آن در بیان مفهوم وجود کاربرد بیشتری داشته‌اند؟ به عبارت دیگر کدامیک از این مفاهیم برای تعریف وجود استفاده می‌شود؟ در بررسی اجمالی این چنین برداشت می‌شود که موارد ذیل، مفاهیم یا برداشت‌هایی هستند که از عمومیت بیشتری در استعمال برخوردارند:

۱- هنگامی که مفهوم وجود در مقابل ماهیت قرار می‌گیرد چنانکه فیلسوفان مدرسی^۵ (ق ۱۰ الی ۱۷م) وجود را در مقابل ماهیت قرار میدادند و ماهیت را طبیعت تعقل شده شیء و وجود را تحقق بالفعل این ماهیت می‌دانستند، یعنی درک تجربی شیء را مغایر با تعقل آن می‌دانستند.

۲- گاهی منظور همان وجود حقیقی یا واقعی بوده است، اما گاهی وجودی کاملتر و اعم از معنای فوق مدنظر بوده است که در این صورت یا وجود شیء برای همان شیء است (وجود ذاتی) و یا وجود شیء بر شیئی که معلول شیء دیگر است مدنظر بوده است که خود این قسم دوم دارای دو تقسیم است، اول آنکه وجود شیء برای غیر خود در هنگامی که شیء محمول شیء دیگر باشد و از لحاظ مفهوم مستقل از آن مانند وجود اعراض، دوم آنکه وجود شیء برای غیر خود هنگامی که رابط بین موضوع و محمول باشد ولی از لحاظ مفهوم مستقل از موضوع و مفهوم نباشد مثل وجود رابطی.

۳- گاهی وجود به ذهنی و خارجی تقسیم می‌شود که وجود خارجی همان وجود عینی و وجود ذهنی همان بودن اشیاء در ذهن است یا همان وجود عقلی و منطقی.

۴- و گاهی منظور از وجود، هستی در مقابل نیستی است که در میان حکماء و فلاسفه بسیار مورد بحث قرار گرفته است.

چهار تعریف ذکر شده، نه تنها منشأ تأثیرات بسیار زیادی در بحث وجود بوده است بلکه در مباحث وجودشناسی، موجب تفکیک و تمایز بسیاری از مکاتب و ابداع نظرات متمایز و نوینی در مباحث فلسفی با موضوع نگرش به هستی گشته است، که به صورت اجمال به آن اشاره خواهیم نمود.

۲-۳- انحاء وجودشناسی

روشهای فکری که در باب هستی، وجود دارند را به سه دسته اصلی تقسیم نمود: اول روش کلامی که ابزار اصلی آن مسائل اعتقادی و اصول و مبانی ادیان الهی است. دوم روش عرفانی که سیر و سلوک و تزکیه نفس و پرهیز از مشغله‌های مادی را مبنای بینش خود قرار می‌دهد.

سوم روش تعقل یا فلسفه که ۲ گروه عمده دارد، گروهی که بر مبنای استدلال و تعقل محض به توضیح و تبیین مسائل هستی می‌پردازند و گروهی که به اشراقیون معروفند و از هر دو راه عقل و اشراق هستی را تبیین می‌کنند. در میان بحث‌های فلسفی، وجودشناسی از مباحث اصلی محسوب می‌گردد. وجودشناسی که در غرب *Ontology* موسوم است یکی از عمیق‌ترین مباحث در حوزه مابعدالطبیعه است و اساساً وجود از آن حیث که وجود است موضوع این علم به شمار